

تحلیل گفتمان انتقادی «دختر شینا»

محبوبه بسمل^۱

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد سوادکوه

چکیده

تحلیل گفتمان انتقادی یکی از رویکردهای تحلیل گفتمان است که در آن با ارتقا بخشیدن تحلیل متن از سطح توصیف به سطح تبیین و با دخالت دادن عواملی همچون ایدئولوژی، قدرت، تاریخ و... به تفسیر متون پرداخته می شود. در این مقاله «دختر شینا» بر اساس رویکرد فرکلاف در سه سطح توصیف، تبیین و تفسیر بررسی شد. در سطح توصیف، صحنه پردازی بخش قابل توجهی از اثر را به خود اختصاص داده است. در سطح تفسیر بررسی شد که زمان اثر به سالهای جنگ بین ایران و عراق بر می گردد و در سطح تبیین که بیانگر ایدئولوژی نویسنده است مبارزه و پایداری و مقاومت جلوه نموده است. **واژگان کلیدی:** تحلیل گفتمان انتقادی، دختر شینا، ضربای زاده، شخصیت

^۱ نویسنده مسئول. mh.besmel@gmail.com

مقدمه

گفتمان را مرادوه کلامی، باز نمود یک صدا در دل یک متن (میلز، ۱۳۸۲: ۱۶) و تلازم گفته با کارکردهای اجتماعی و معنایی (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۴۳) دانسته‌اند. در واقع، گفتمان به ساخت یا بافت زبان در مراحل بالاتر اطلاق می‌شود. بنابراین، تجزیه و تحلیل گفتمانی ساخت و بافت یک متن را بررسی می‌کند. استفاده از اصطلاحات زبان‌شناسی در «تحلیل گفتمان» سبب شده‌است. عده‌ای تحلیل گفتمان را «شاخه علمی بین رشته‌ای در زبان‌شناسی» (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵ الف: ۹) بدانند؛ این در حالی است که جامعه‌شناسان تحلیل گفتمان را، به دلیل پرداختن به کارکرد زبان در جامعه، متعلق به حوزه خود می‌دانند. از نظر یوهان سون همه آنهایی که به تجزیه و تحلیل گفتمان می‌پردازند، الزاماً، زبان‌شناسی را شیوه کار خود قرار نمی‌دهند، بلکه از پدیدارشناسی (که شاخه‌ای از فلسفه است) نیز بهره می‌گیرند (همان: ۱۲۸) پس، محدود کردن تحلیل گفتمان به یک رشته درست به نظر نمی‌آید.

در مجموع، از سه رویکرد در تحلیل گفتمان می‌توان سخن گفت: تحلیل گفتمان ساخت‌گرا، تحلیل گفتمان نقش‌گرا و تحلیل انتقادی گفتمان (سلطانی، ۱۳۹۱: ۳۶-۳۵) هدف نگارنده در این مقاله پرداختن به جدیدترین رویکرد آن، یعنی رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان، است. پس، به انواع دیگر آن نمی‌پردازیم.

«تحلیل گفتمان انتقادی»، که از لحاظ فلسفی متأثر از نظریات میشل فوکو و فروید و مارکس است، در نظر دارد نگرش مخاطب را درباره زبان از صورت‌گرایی به تأثیر مسائل اجتماعی تغییر دهد؛ چنان که زبان‌شناس خود را عنصری مسئول در برابر مسائل اجتماعی بدانند. تحلیل گفتمان انتقادی به تحلیل در سطح توصیف بسنده نمی‌کند، بلکه به تبیین نیز نظر دارد (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵ الف: ۲۳۰-۲۲۸) در واقع، تحلیل گفتمان انتقادی، با ارتقا بخشیدن تحلیل متن از سطح کفایت توصیفی به سطح کفایت تبیینی و دخالت دادن عواملی همچون ایدئولوژی و قدرت و تاریخ و ... در ارتباط با زبان، از واقعیت زبان‌شناختی جامع‌تری در تفسیر متن برخوردار است. نورمن فرکلاف یکی از صاحب‌نظران در حوزه تحلیلی گفتمان انتقادی است. از نظر او، تحلیل گفتمان شامل سه مرحله توصیف، تفسیر و تبیین است. درباره هر یک از این مراحل، در ادامه، سخن خواهیم گفت.

در نگاه تحلیل‌گران گفتمان انتقادی، متن تعاملی ارتباطی بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در درون بافتهای اجتماعی و نهادهای مربوط به آن است. در تحلیل متون ادبی نیز ضرورت دارد بر ابعاد تعاملی این نوع متون تأکید شود. این گونه تلقی از ادبیات، به منزله گفتمان، متن ادبی را میانجی روابط میان استفاده‌کنندگان زبان اعم از روابط گفتاری و روابط مبتنی بر آگاهیهای ایدئولوژیکی و نقش و وظایف اجتماعی می‌داند و، بدین‌گونه، متن ادبی به یک کنش یا فرایند تبدیل می‌شود (همان: ۲۴-۲۳) می‌توان نتیجه گرفت تحلیل گفتمان انتقادی رویکردی بین رشته‌ای است که به مطالعه ساختارهای متون می‌پردازد و، به منظور توضیح چگونگی تکوین معنا، ویژگی‌های زبانی و اجتماعی-فرهنگی متون را بررسی می‌کند.

مطالعه نظام‌مند در قالب چارچوب‌های مشخص نظری درباره متن و گفتمان را می‌توان رشته‌ای نوپا به شمار آورد. این مقاله نیز بر آن است رمان «دختر شینا» را از مجموعه، با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف بررسی و تحلیل کند.

خلاصه رمان

کتاب «دختر شینا» خاطرات قدم خیر محمدی کنعان، همسر شهید حاج ستار ابراهیمی هژیر از سرداران هشت سال دفاع مقدس استان همدان است. این کتاب که به قلم «بهناز ضرابی زاده» نوشته شده است دارای ۲۶۳ صفحه شامل: مقدمه، نوزده فصل به ضمیمه عکسهاست. این اثر با محوریت موضوع دفاع مقدس به بیان مقام شهید و شهادت، منزلت همسران شهدا و

بازتاب روانی و اجتماعی جنگ پرداخته است. ماجراهای کتاب از کودکی راوی شروع می‌شود. با به دنیا آمدن او، پدرش که مریض احوال بود حالش خوب می‌شود پس نام کودک را قدم خیر می‌گذارند. خانواده او در روستایی در استان همدان زندگی می‌کنند. قدم خیر از بازیهای کودکانه، از علاقه و وابستگی‌اش به خانواده به‌خصوص پدر و نحوه آشنایی با همسرش می‌گوید تا به ازدواج می‌رسد. بعد از بیان آداب و رسوم مراسم عروسی وارد زندگی مشترک با حاج ستار می‌شود. خداوند چهار دختر و یک پسر به این خانواده عطا می‌کند. حاج ستار بناست و با پیروزی انقلاب، در دادگاه انقلاب اسلامی همدان استخدام می‌شود. وی با ورود امام خمینی به کشور، با خود عهد می‌بندد سرباز وی باشد. بنابراین در سپاه پاسداران ثبت نام می‌کند. با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، به فرمان امام عازم جبهه می‌شود. دیر آمدنها از جبهه، تنهایی‌های قدم خیر و سختی کشیدنهای او برای بزرگ کردن کودکان، موضوعی است که در این فصلها، بارزتر است و مخاطب را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در فصل پانزدهم، قدم خیر مستقیماً وارد فضای جنگ می‌شود. او با چهار بچه به منطقه جنگی قصر شیرین و سرپل ذهاب می‌رود و یک ماه در آن جا زندگی می‌کند. با دیدن فضای جنگ و جبهه با تمام مخالفت‌هایی که برای رفتن همسرش به جبهه داشت بالاخره تسلیم هدف حاج ستار می‌شود و او را همراهی می‌کند. بعد از جباران پادگان ابوزر، قدم خیر و فرزندان‌ش به همدان بر می‌گردند. حاج ستار عملیات کربلای ۵ به شهادت می‌رسد. فصل نوزدهم به خاطره مراسم تشییع پیکر حاج ستار اختصاص دارد.

پیشینه پژوهش

برخی از آثار در این زمینه عبارتند از: «بررسی رمان الصبار سحر خلیفه» از عباسی و عبدی (۱۳۹۱)، «بررسی و نقد روایی گلستان بر اساس نظریه تحلیل انتقادی گفتمان» نوشته فلاحی و همکاران (۱۳۸۹)، «تحلیل انتقادی گفتمان فیلم «روسری آبی»» از سجودی و احمدی (۱۳۸۸)، «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات» از آفاگل زاده (۱۳۸۶).

تحلیل گفتمان انتقادی رمان

در سطح توصیف

مجموعه ویژگیهای صوری‌ای که در یک متن خاص یافت می‌شوند می‌توانند به‌عنوان انتخابهای خاصی از میان گزینه‌های موجود در انواع گفتمان‌هایی تلقی شوند که متن از آنها استفاده می‌کند. به منظور تفسیر ویژگیهایی که به صورت بالفعل در یک متن وجود دارند معمولاً مدنظر قراردادن دیگر انتخابهای ممکن نیز ضروری است، یعنی انتخاب از میان نظامهای گزینه‌ای انواع گفتمان‌هایی که ویژگیهای موجود از آن اخذ شده‌اند. (فرکلاف، ۱۳۷۹ : ۱۶۹) این تحلیل، تحلیل انتزاعی متن است. در این مرحله باید پرسش‌هایی را در نظر داشت: کلمات کدام ارزش تجربی را دارند؟ چه نوع روابط معنایی (هم معنایی، شمول معنایی و تضاد معنایی) به لحاظ ایدئولوژیک بین کلمات وجود دارد؟ ویژگی‌های دستوری کدام ارزش‌های تجربی را دارند؟ چه نوع فرایندها و مشارکینی مسلط هستند؟ آیا کنش‌گر نامشخص است؟ آیا فرایندها همانهایی هستند که به نظر می‌رسند؟ آیا از فرایند اسم‌سازی استفاده شده است؟ جملات معلومند یا مجهول؟ مثبتند یا منفی؟ ویژگیهای دستوری کدام ارزش‌های رابطه‌ای را دارند؟ از کدام وجه‌ها (خبری، پرسشی، دستوری) استفاده شده است؟ آیا بین ویژگیهای مهم وجه‌ساز رابطه‌ای وجود دارد؟ آیا از ضمیر ما و شما استفاده شده است؟ اگر پاسخ مثبت است، نحوه استفاده از آنها چگونه بوده است؟ جملات ساده چگونه به یکدیگر متصل شده‌اند؟ از کدام کلمات ربطی منطقی استفاده شده است؟ آیا جملات مرکب از مشخصه‌های

هم‌پایگی یا وابستگی برخوردارند؟ برای ارجاع به داخل و بیرون متن از چه ابزارهایی استفاده شده است؟ (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۶۷-۱۷۱) این سطح، در واقع بررسی بافت بیرونی متن از نظر ساختارگرایی و زبان‌شناسی است.

رمان دختر شینا در مورد جنگ است، اما جنگ در اینجا نه از نگاه سردمداران و قدرتمندان، بلکه از نگاه مردم عادی اجتماع به نمایش گذاشته شده است. به طور معمول، رمانهای مقاومت و جنگ از دیدگاه طبقه پایین جامعه که درگیر جنگ هستند، روایت می‌شود، زیرا زاویه ذهن افراد معمولی به جنگ، واقع بینانه و به دور از هر گونه ملاحظه‌ای است. آنها به جنگ از لحاظ تأثیرات مثبت و منفی‌ای که در زندگی شان دارد، می‌نگرند و تفسیرهای درستی از آن ارائه می‌دهند. دختر شینا، شرایط زندگی در ایران را در همان سالهای جنگ روایت می‌کند، اما نوع نگرش آن افزون بر شباهتها، از تفاوتیابی نیز برخوردار است. این نگاه، سبب شکل‌گیری زبانی ساده و شفاف رمان شده است و حتی زبانی برخوردار از لهجه عامیانه را.

«واقعا شوکه شده‌بودم، به پت‌پت افتادم و پرسیدم مادر چیزیش شده؟» (ضرابی‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۰۵)

«بعد خداحافظی کرد و رفت. خدیجه صدایم کرد و گفت: «قدم! باز که گند زدی، چرا نیامدی تو، بیچاره، بین برایت چی آورده؛ و به چمدانی که دستش بود اشاره کرد و گفت دیوانه! این را برای تو آورده.» (همان: ۳۳).

جنگ، پدیده‌ای است که در آن انسانهای عادی نقش ایفا می‌کنند. در این میان، دهشتناک‌ترین سوگ‌نامه‌های انسانی رقم می‌خورد؛ از طرفی بیشترین قربانیان جنگ، نه سیاستمداران و مسببین جنگ و نه سربازان؛ بلکه شهروندان عادی هستند؛ بنابراین، پرداختن به این طیف و طبقه از مردم، از نگاه رمان‌نویس (ضرابی‌زاده) از اهمیت بسزایی برخوردار است. ضرابی‌زاده با نگاه خوش‌بینانه به تقدیر جنگ و شهادت می‌نگرد؛ البته صبغه خاطره‌نویسی که بر رمان دختر شینا غلبه دارد، در پدید آمدن این قضیه بی‌تأثیر نبوده است و در خاطرات همه تلخ‌ها نیز با بیانی خاطره‌انگیز و خوب نمایان می‌شود؛ مانند نمونه زیر:

«به باغ بهشت که رسیدم، دویدیم. گفتم «می‌خواهم حرفهای آخرم را به او بگویم چه جمعیتی آمده بود. تا رسیدم، تابوت روی دستهای مردم به حرکت درآمد. دنبالش دویدم، دیدم تابوت آن جلو بود و منتظر ماست. ایستادم توی صف. بعد از نماز، صمد دوباره روی دستها به حرکت درآمد، همیشه مال مردم بود. داشتند می‌بردندش؛ بدون غسل و کفن. با همان لباس سبز و قشنگ.» (ضرابی‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۴۷)

نگاه ضرابی‌زاده، رمانتیک و دلنشین است و این از تأثیرگذاری مقوله شهادت به‌عنوان یکی از نهادهای گفتمانی قدرت در جامعه شیعه است. به طور کلی شخصیت رمانهای جنگ همواره در احساسی از خلأ و سرگردانی و ستم به سر می‌برند. شاید این امر به تاریخ و جغرافیای مکانی برگردد که نویسندگان حوزه ادبیات پایداری در پی نشان‌دادن آن به مخاطبان‌شان هستند. در این زمان‌ها نیز کنعانی و ضرابی‌زاده همان فضا را درگیر در جنگی که شهروندان ناخواسته با آن روبه‌رو می‌شوند، به تصویر می‌کشند. از لحاظ واژگانی، نوع واژگانی که در متن این رمانها دیده می‌شوند، حال و هوای آن روزها را در ذهن تداعی می‌کند. کاربرد پربسامد واژگانی همچون پادگان، شهادت، جنگ، انفجار، شهید، مقاومت و مردم، از جمله این کلمات هستند که مدام در زمان تکرار می‌شوند. راوی بودن زن نیز یکی دیگر از موارد قابل بررسی رمان در سطح توصیف است. بدین واسطه، عنصر عاطفه در این رمان موج می‌زند و فضای عاطفی در بیشتر مواقع بر فضای واقعی و حقیقی غلبه دارد.

ضرابی‌زاده از زبان راوی داستان قدم‌خیر، خداحافظی با صمد را به زیبایی و با لحنی عاطفی روایت می‌کند: «می‌خندید و دندانهای سفیدش برق می‌زد... دلم می‌خواست خم شوم و به یاد آخرین دیدارمان پیشانی‌اش را ببوسم. زیر لب گفتم: خداحافظ. همین. دیگر فرصت حرف بیشتری نبود. چند نفر آمدند و صمد را بردند. صمدی که عاشقش بودم. او را بردند و از من جدایش کردند. سنگ لحد را که گذاشتند و خاکها را رویش ریختند، یک دفعه یخ کردم، آن پاره آتشی که از دیشب توی قلبم گر گرفته بود، خاموش شد.» (۱۳۹۰: ۲۴۸)

در سطح تفسیر

تفسیر، ترکیبی از خود متن و ذهنیت مفسر (دانش زمینه‌ای) است. از منظر مفسر، ویژگی‌های صوری متن در حقیقت سرنخه‌هایی هستند که عناصر «دانش زمینه‌ای» ذهن مفسر را فعال می‌کنند. بنابراین تفسیر، محصول ارتباط متقابل و دیالکتیکی این سرنخه‌ها و دانش زمینه‌ای ذهن مفسر خواهد بود. در این سطح به این پرسشها پاسخ داده می‌شود: ۱- بافت یا زمینه: تفسیرهای مشارکین گفتمان از بافت موقعیت و بینامتنی چیست؟ ۲- انواع گفتمان: چه نوعی از گفتمان مورد استفاده خواهد بود؟ مرحله تفسیر به خودی خود بیانگر روابط قدرت و سلطه و ایدئولوژی‌های نهفته در پیش‌فرضهای یادشده نیست تا کنشهای گفتمانی معمول را به صحنه مبارزه اجتماعی تبدیل کند. در تحقق این هدف مرحله تبیین ضرورت دارد (ر.ک: فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۵-۲۴۴). در این مرحله، چهار پرسش مطرح می‌شود: ۱. ماجرا چیست؟ ۲. چه کسانی درگیر ماجرا هستند؟ ۳. روابط میان آنان چیست؟ ۴. نقش زبان در پیش برد ماجرا چیست؟ همچنین در این مرحله توجه می‌شود که چه نوعی از انواع گفتمان وجود دارد و در نتیجه کدامین قواعد نظام و اصول در نظام آوایی، دستور، انسجام جمله‌ای، واژگان، نظامهای معنایی یا کاربردی به کار گرفته می‌شود. (حدادی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۶) اما درخصوص پرسش اول باید گفت دختر شینا رمانی است که حوادث جنگ را در ایران بیان می‌کند. ضرابی‌زاده که نویسنده‌ای اجتماعی و واقع‌گرا است، در زیرساخت رمان خود از اتفاقی که در تاریخ ایران افتاده و اثرات مهمی که در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است، استفاده می‌کند تا تصویر و درکی از آن حادثه را در قالبی هنری پیش روی خواننده بگذارد. این نویسنده گرچه موضوعی سیاسی را که همانا جنگ است را برای پردازش انتخاب کرده‌است؛ اما در رمان خود از توجه به لایه‌های اجتماعی و فرهنگی غافل نبوده و در مجموع، نگاهی واقع‌گرا در بیان تلخ‌های زندگی دارد. راوی با رویکرد خاطره‌نویسی در جای مناسب به بیان انتقادات و تفسیر مشکلات اجتماعی پرداخته‌است؛ آنجا که می‌نویسد: «عصبانی بودم. گفتم از وقتی رفتی، دارم فکر می‌کنم؛ یعنی این جنگ فقط برای من و تو و این بچه‌های معصوم است. این همه مرد توی این روستاست، چرا جنگ فقط مرا گرفته‌است.» (ضرابی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۵۴) همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، راوی از پدیده جنگ دل خوشی ندارد و با وجودی که رمان دفاع مقدس جنگ را سبب تعالی می‌داند، در اینجا راوی مخالفت خود را با جنگ اعلام می‌دارد که با روحیه زنانه او تناسب دارد؛ البته به تدریج این مخالفت کاسته می‌شود و راوی به مانند صمد، شخصیت اصلی داستان جنگ را وظیفه‌ای شرعی و ملی می‌داند که باید بدان عمل کرد. مهم در اینجا نگاه خاص راوی به چنین پدیده‌های اجتماعی و سیاسی است؛ اما در مجموع رمان دختر شینا کتاب خاطره است تا رمان؛ و بیشتر مشکلات شخصی و کارهای خانگی شخصیتها در آن بیان شده‌است؛ از این رو کمتر بازتاب مشکلات و مصائب و مسائل اجتماعی در آن نمود یافته‌است. نویسنده در اشاراتی گذرا در لابه‌لای بیان مسائل شخصی خود، در صورت نیاز به مسائل اجتماعی و تفسیر آن گریزی می‌زند که در نمونه پیش‌گفته مشاهده شد.

در رمان دختر شینا، قدم‌خیر از بیان خشمها، رنجشها، عشق و دلتنگی‌هایش هراسی ندارد. مصیبت‌های تلخ زندگی بدون صمد، از به دنیا آوردن و بزرگ کردن بچه‌هایش تا سرمای صف نانوايي و دبه‌های بیست لیتری نفت را بازگو می‌کند، اما همه این سختیها چیزی از استقلال او در اداره زندگی نمی‌کاهد. وی بی‌پروا روزهای زندگی همسر یک رزمنده‌بودن را روایت می‌کند. از صبوریه‌ها و آرزوهایی می‌گوید که هیچ وقت محقق نمی‌شوند و با این حال، بارها می‌ایستد و برمی‌خیزد تا جنگ را تحقیر کند. کتاب، با شهادت صمد تمام می‌شود. در مجموع، نگاه زنانه قدم‌خیر به جنگ، با ایستادگی صمد خنثی می‌شود: «قدم‌جان، این همه سال خانمی کردی، بزرگی کردی، خیلی جور من و بچه‌ها را کشیدی، ممنون؛ اما رفیق نیمه راه نشو. اجرت را بی‌ثواب نکن. ببین من همان روز اولی که امام را دیدم، قسم خوردم تا آخرین قطره خون سربازش باشم و هرچه گفت بگویم چشم. حتماً یادت هست؟ حال هم امام فرمان جهاد داده و گفته جهاد کنید. از دین و کشور دفاع کنید. من هم گفته‌ام چشم.

نگذار روسپاه شوم.» (ضرابی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۴۳) اما دختر شینا ادامه دارد. او پس از فصل آخر کتاب، فصل تازه‌ای را آغاز می‌کند و آن بزرگ‌کردن کودکش است. پس از صمد او می‌ماند و پنج بچه کوچک.

در سطح تبیین

در حقیقت در این سطح از گفتمان چنین پرسشهایی مطرح می‌شود: «چه نوع از روابط در قدرت در سطوح گوناگون نهادی، اجتماعی و موقعیتی در شکل دادن این گفتمان مؤثر است؟ چه عناصری از پیش‌انگاشت که مورد استفاده واقع شده‌اند دارای خصوصیات ایدئولوژیک است؟ جایگاه این گفتمان نسبت به مبارزات در سطوح گوناگون نهادی و اجتماعی چیست؟ آیا در خدمت روابط قدرت موجود است یا در جهت دگرگون ساختن آن؟» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۵۰-۲۴)

تحلیل گفتمانی رمان دختر شینا در سطح تبیین نشان می‌دهد قدرت بی‌بدیل سیاسی و اجتماعی در این رمان، مبارزات سیاسی و پایداری است که نیروهای برهم‌زننده و مخالف این جریان که سعی در کم‌رنگ کردن آن دارند، کاری از پیش نمی‌برند؛ زیرا شخصیتها با تمام وجود خود را در اختیار این موضع قدرت قرار داده و هم‌سو با آن حرکت می‌کنند. این هم‌سویی در رمان با به شهادت رسیدن همسر قدم خیر به نمایش گذاشته شده است: «بقیه بدنش سالم سالم بود، با همان لباس سبز پاسداری‌اش آرام آسوده خوابیده بود. صورتش مثل آن روز که از حمام آمده بود و آن پیراهن چهارخانه سفید و آبی را پوشیده بود، قشنگ و نورانی شده بود.» (ضرابی‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۴۸)

بیشتر شخصیت‌های رمان را زنان تشکیل می‌دهند که قدم‌خیر، اصلی‌ترین آنها به همراه شخصیت‌های فرعی زن پرشماری که به طور معمول از یک طیف هستند؛ شخصیت‌هایی مبارز و اهل مقاومت و پایداری. و این نشان از سیطرگی رابطه قدرت و گفتمان جامعه بر گفتمان خاص رمان دارد؛ بنابراین، گفتمان غالب بر جامعه اسلامی ایران و بر شکل‌گیری گفتمان رمان تاثیر گذاشته و رمان به طور کامل مطابق با این گفتمان شکل گرفته است؛ زیرا زن که نباید چنین حوادث و پدیده‌هایی را تحمل کند و طبیعی است که برخلاف فضا و گفتمان غالب جامعه عمل کند؛ اگر این چنین نکند، نشان از قدرت مضاعف آن گفتمان دارد؛ بنابراین، ضرابی‌زاده به عمد چنین شخصیت‌هایی را از بطن جامعه انتخاب می‌کند که حقیقت دارند و خیالی نیستند. ضرابی‌زاده درباره قدم‌خیر می‌نویسد: «این موضوع برای من بسیار تأمل برانگیز بود، زنی که در روستا زندگی می‌کرد، به فضای شهر آمده و به تنهایی در اوج جوانی، تمام هم و غمش بزرگ‌کردن فرزندانش شده بود؛ بنابراین، تصمیم گرفتم درباره فراز نشیب‌های زندگی این زن با او مصاحبه کنم.» (ضرابی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱)

حربه دیگر قدرت که در مقابل گفتمان غالب در جامعه در رمان شکل می‌گیرد، جنگ است که می‌کوشد بر گفتمان رمان تاثیر بگذارد و آن را به سمت و سویی که خود می‌خواهد، یعنی مخالفت با جنگ و دست‌شستن از مبارزه و پایداری بکشاند. اما «دختر شینا»، این ایده را بر نمی‌تابد و جنگ سبب نمی‌شود تا نقش مبارزه و مقاومت آنها کم‌رنگ شود. البته این مساله، هیچ وقت به معنای تبلیغ جنگ و علاقه به ادامه آن نیست و اثر مورد نظر نیز در اساس، اثری ضدجنگ است. بنابراین قدم‌خیر، دوست دارد جنگ تمام شود و همسرش سالم به خانه و زندگی برگردد. چنانکه هر بار که شوهرش از مرخصی بر می‌گردد، دوست دارد بیشتر پیش او بماند و هر بار از او قول می‌گیرد که دیگر به جنگ نرود: «زمستان ۱۳۶۴ بود، بار آخری که به مرخصی آمد، گفتم صمد این بار دیگر باید باشی. به قول خودت این آخری است ها!» (ضرابی‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۰۷)

نتیجه

در تحلیل «دختر شینا» دیده شد که چگونه گفتمان خشونت و جنگ در جامعه به یکدیگر پیوند خورده و در زبان قربانیها نیز بازتولید می‌شوند؛ از طرف دیگر، با توجه به نظام ارزشهایی که در هر جامعه وجود دارد و در گفتمان رسمی آن جامعه و در هر متنی (ادبی و غیر ادبی) کم و بیش تکرار می‌شود، می‌توان با بررسی رمان دخترشینا که در ژانر رئالیسم اجتماعی نیز قرار می‌گیرد، به درک روشن‌تری از ارزش‌های جامعه دست یافت. این رمان جامعه درگیر در جنگی را نشان می‌دهد که بعضی از عناصر ارزشی‌اش، بنا به اضطرار در گفتمانهای رسمی و غیر رسمی جای می‌گیرند و برجسته‌سازی می‌شوند در این مورد می‌توان به گفتمان میهن‌پرستی، مقاومت و پایداری، اشاره کرد. بررسی و تحلیل رمان در سه سطح، نتایج زیر را در پی داشته است:

- در سطح توصیف، زبان رمان، روان و برای خوانندگان قابل فهم است. اسلوب بیان استوار، متین و دارای صداقت لحن است. عناصر تکرار در رمان که بیشتر درباره مفاهیم اخلاقی بوده است، نشان از اهمیت بالای آن در عصر نویسنده دارد. صحنه‌پردازی بخش قابل توجهی از رمان را به خود اختصاص می‌دهد. این تصویر پردازیها به خواننده کمک می‌کند تا به درک عمیقی از موضوع و درون‌مایه اصلی اثر دست یابد.
- در سطح تبیین که بیانگر ایدئولوژی نویسنده است، مبارزه و مقابله با اشغال وطن و پایداری و مقاومت جلوه می‌نماید.
- در سطح تفسیر بررسی شد که زمان اثر به جنگ ایران و عراق برمی‌گردد. در بافت درونی نیز تفکر مبارزه با اشغال و پایداری و مقاومت مورد توجه قرار گرفته است.

منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۶) ب، تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات، ادب پژوهی، ۱ (۱)، صص ۷-۲۷.
- آقاگل‌زاده، فردوس، (۱۳۸۵) الف، تحلیل گفتمان انتقادی: تکوین تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. حدادی، الهام؛ فریده داودی مقدم و مصطفی گرجی (۱۳۹۰) کردار گفتمانی و اجتماعی در رمان مدار صفر درجه بر پایه الگوی تحلیل گفتمان فرکلاف، نقد ادبی، ۵ (۱۸)، صص ۲۵-۴۹.
- سجودی، فرزانه و فاطمه احمدی (۱۳۸۸) تحلیل انتقادی گفتمان فیلم «روسری آبی» هنر و معماری، پژوهشنامه فرهنگستان هنر، ۶ (۱۲)، صص ۱۱۲-۱۲۸.
- ضرابی‌زاده، بهناز (۱۳۹۰) دختر شینا، تهران: سوره مهر.
- عبّاسی، نسرین و صلاح‌الدین عبدی (۱۳۹۱) بررسی رمان الصبّار سحر خلیفه (براساس الگوی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف)، نقد ادب معاصر عربی، ۲ (۳)، صص ۱۰۱-۱۲۳.
- سلطانی، سید علی اصغر، (۱۳۹۱) قدرت، گفتمان و زبان، تهران: نشر نی.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹) تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- فلاحی، محمد هادی، نسترن توکلی و سیامک صاحبی (۱۳۸۹) بررسی و نقد روایی گلستان بر اساس نظریه تحلیل انتقادی گفتمان، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ۱ (۱۶)، صص ۱۰۹-۱۳۴.
- میلز، سارا (۱۳۸۲) گفتمان، ترجمه فتاح محمدی، نشر هزاره سوم، زنجان.
- یارمحمدی، لطف‌اله (۱۳۸۳) گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی، هرمس